

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهبان**

سال پانزدهم، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

صفحه ۲۰۵ تا ۲۲۲

سیاست گذاری روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه با تاکید بر سوریه « بر اساس نظریه همگرایی منطقه‌ای »

سید سعید زمانیان دهکردی / دانشجوی دکتری، دانشکده علوم سیاسی و روابط بین الملل واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. saeed.zamanian91@gmail.com

سید مصطفی ابیطحی / استادیار دانشکده علوم سیاسی و روابط بین الملل واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). m-abtahi@srbiau.ac.ir

ابوالقاسم طاهری / دانشکده علوم سیاسی و روابط بین الملل واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. dr.taheri@yahoo.com

چکیده

با توجه به این نکته که یک واحد سیاسی جهت حفظ و ادامه حیات خود نیازمند وجود یک همگرایی منطقی میان اجزای سازنده‌اش است؛ دولت‌های خاورمیانه جهت مقاومت در برابر واگرایی که توسط دول خارجی به آنها تحمیل شده است نیازمند به ایجاد یک همگرایی میان خود هستند. همین موضوع سبب گردیده تا میان بعضی از بازیگران منطقه برای نمونه ایران و سوریه علیرغم نداشتن زبان و فرهنگ و نژاد مشابه یک همگرایی منطقه‌ای شکل گیرد. عامل اصلی و زمینه‌ی همگرایی منطقه‌ای در روابط ایران و سوریه را می‌توان اتخاذ سیاست خارجی یکسان در برابر اسرائیل و همچنین حمایت از حزب الله لبنان و جنبش‌های مقاومت فلسطینی دانست. این نزدیکی روابط در راستای تأمین امنیت ج.ا.ایران و همچنین سوریه در برابر اسرائیل می‌باشد که در این راهبردهای ضد صهیونیستی، حزب الله لبنان نقش کلیدی را در سیاست خارجه ایران و سوریه بازی می‌کند که توانسته است ضربه‌های کاری را چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ نظامی بر اسرائیل وارد آورد. با این حال این همگرایی با موانعی مواجه است برای نمونه عربستان به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع همگرایی منطقه‌ای ایران و سوریه سعی دارد تا با به کارگیری ابزار سیاسی، اقتصادی و اعتقادی مانع این همگرایی گردد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه: کارکردگرایی، نوکارکردگرایی، سوریه، ایران، خاورمیانه

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۱۸

مقدمه

«خاورمیانه از دیرباز به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و دارا بودن ذخایر انرژی و حوزه های تمدنی و ایدئولوژیکی، محل تلاقی منافع و منازعه میان قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای بوده است. از جنگ جهانی دوم تاکنون، منطقه خاورمیانه و خلیج فارس چندین تحول مهم را پشت سر گذاشته است که نقاط عطفی در تاریخ تحولات این منطقه به شمار می آیند. از جمله این موارد می توان به انقلاب اسلامی در ایران، فروپاشی شوروی، جنگ دوم خلیج فارس، حوادث ۱۱ سپتامبر و نیز رخداد های سال های اخیر در جوامع عربی اشاره نمود؛ در واقع مهمترین منازعات که تأثیر زیادی بر ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه داشته و توانسته معادلات منطقه ای را تحت تأثیر قرار دهد و بر راهبرد بازیگران درگیر در معادلات خاورمیانه تأثیر بگذارد، رخداد های سال های اخیر در جوامع عربی است که با موجی از اعتراضات از سال ۲۰۱۱ در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در یک مجموعه شرایط مشترک یعنی رژیم های استبدادی، فقدان نهادهای نمایندگی، نابرابری، فساد، توزیع ناعادلانه منابع اقتصادی و بهره برداری از منابع عمومی توسط طبقات حاکم، شروع شد که تظاهرکنندگان خواستار دموکراسی، آزادی، حاکمیت قانون و عدالت بودند» (کاووسی، ۱۳۹۵: ۴). که این وضعیت باعث به وجود آوردن یک خلأ در منطقه ی خاورمیانه گردید در این میان کشورهای چوون عربستان سعودی، ترکیه و اسرائیل خواهان یک نقش منطقه ای تأثیرگذار چون ایران در خاورمیانه بودند. با درک این حقیقت، جمهوری اسلامی ایران که دارای تشابهات سیاسی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای خاورمیانه است و یکی از دولت های مهم و تأثیرگذار منطقه محسوب می شود، یکی از اهداف سیاست خارجی خود را تلاش برای فراهم کردن بسترهای همگرایی میان کشورهای خاورمیانه قرار داد و برای این کار به راهبردهایی چون تقویت مناسبات اقتصادی و فرهنگی، محدود ساختن نقش و نفوذ قدرت های بزرگ و دیگر ترتیبات جمعی متوسل شد (اردکانی، راستین دل، ۱۳۹۶: ۱۴۷). در این راستا، آنچه حائز اهمیت بود، نوع برخورد دولت های خاورمیانه و برداشت آن ها در خصوص ماهیت و اهمیت روند همگرایی در منطقه بود. همین موضوع باعث شد که میان بعضی بازیگران منطقه، شامل ایران و سوریه و حزب الله لبنان و جنبش جهاد اسلامی و حماس فلسطین و تا حدودی عراق نوظهور که با جمهوری اسلامی قرابت سیاسی یا فکری و ایدئولوژیکی دارند، نوعی همسویی و همگرایی نمایان شود (موفقیان، ۱۳۹۱: ۸۳)، ولی بیشتر

کشورهای منطقه از جمله دول حوزه خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی و نیز ترکیه نسبت به اقدامات ایران واکنش منفی نشان دادند یا نسبت به آنها بدبین بودند. در حالی که هدف بازیگران دسته اول مقابله با نفوذ و دخالت های نابه جای آمریکا و متحدان غربی اش در منطقه، مخالفت با زیاده طلبی های اسرائیل، مبارزه با افراطی گری مذهبی، به ویژه خشونت های گروه های تروریستی و در رأس آن داعش و تا حدی گرایش به روسیه و چین به منظور ایجاد توازن قوا بود (زینیوند، ۱۳۹۵: ۱۴۵-۱۲۴)، در این میان؛ سیاست اصلی دولت های عرب محور دوم، گرایش به غرب، به ویژه آمریکا، مرآده آشکار یا پنهانی با اسرائیل، ترویج اسلام افراطی یا اخوانی و حمایت پیدا یا پنهان از گروه های تروریستی درگیر جنگ با سوریه با عراق بود (عرب جونقانی، ۱۳۹۶: ۸۲-۳۸). ترکیه هم پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، از یک سو خواهان حرکت به سمت ثبات و دموکراسی به منظور هماهنگی با معیارهای اتحادیه اروپا و از سوی دیگر، به دلیل گرایشات تاریخی و مذهبی حزب حاکم، درصدد ایجاد نوعی هماهنگی در سیاست های منطقه ای و داخلی خود برای نزدیک شدن به کشورهای اسلامی منطقه بود. به عبارت دیگر، این کشور خواهان ایجاد تعادل میان ابعاد جهانی از یک طرف و تعمیق روابط با کشورهای منطقه از طرف دیگر بود و این تمایل همچنان نیز ادامه دارد (محمد شریفی و دارایی منش، ۱۳۹۲: ۱۳۳-۱۳۲).

ملاحظات فوق بیانگر آن است که موضوع همگرایی در خاورمیانه، به ویژه تبلور آن به عنوان یک راهبرد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با وجود این، آثار اندکی می توان یافت که به بررسی این مقوله اختصاص دارد. آثار اندک مربوط به همگرایی در خاورمیانه، عمدتاً به همگرایی کشورهای حوزه خلیج فارس یا خاورمیانه به مفهوم وسیع آن که شامل شمال آفریقا و افغانستان و پاکستان نیز می شود و یا همگرایی بین دو دولت خاص محدود گردیده اند. برای نمونه، شهرمادی (۱۳۹۰) در پایان نامه خود فقط نقش اسرائیل را در همگرایی ایران و سوریه مورد ارزیابی قرار داده است. لی (۱۳۹۱) در پایان نامه «روابط ایران و عراق: کشمکش و همگرایی»، زمینه های همگرایی و واگرایی را در روابط ایران و عراق در زمان صدام حسین و بعد از او بررسی کرده است. قاسملو (۱۳۹۶) پایان نامه خود را به زمینه های همگرایی ترکیه و عربستان در تحولات خاورمیانه و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی اختصاص داده است. مصطفی زاده (۱۳۹۵) همگرایی آمریکا و اسرائیل را در اعمال سیاست های

بازدارندگی نرم علیه ایران در منطقه خاورمیانه بررسی کرده است. کرم زادی و خوانساری فرد (۱۳۹۶) در مقاله خود، زمینه های همگرایی در روابط ایران و همجواری آذربایجان و چالش های آن را از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴ ارزیابی کرده اند. قناتی (۱۳۹۳) دلایل همگرایی سیاست خارجی ترکیه و عربستان در قبال عراق جدید مورد توجه قرار داده است. با توجه به اینکه بحران سوریه نمونه عینی تقابل راهبردی بازیگران منطقه ای و فرمانطقه ای درگیر است و با توجه به خلأ پژوهشی در خصوص رویکرد و راهبرد ایران نسبت به مقوله همگرایی در خاورمیانه پژوهش در این خصوص ضروری می نماید بدین منظور در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی سعی در بررسی سیاست گذاری روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه با تاکید بر سوریه بر اساس نظریه همگرایی منطقه ای خواهیم داشت.

۱- چارچوب نظری

صاحب نظران در مورد تعریف همگرایی کم و بیش اشتراک نظر دارند (اردکانی، راستین دل، ۱۳۹۶: ۱۴۹). آنها اغلب بر این باورند که همگرایی جریانی است که دولت ها یا واحدهای سیاسی مجزا از هم، داوطلبانه از بخشی از اقتدار خود و اعمال آن برای دست یابی به تصمیمات و اهداف مشترک، کاستن از عوامل اختلاف زا و گسترش همکاری های فنی و تکنیکی، اقتصادی و تجاری، عقیدتی و فرهنگی و سیاسی صرف نظر کرده و از یک قدرت برتر تبعیت می نمایند (قوام، ۱۳۸۹: ۲۴۷-۲۴۶؛ Haas, 1958: 16). باوجوداین، در مورد چگونگی دستیابی به آن و ماهیت و ابعاد همگرایی دارای نظر و گرایش یکسان نیستند. قدیمی ترین گرایش نظری در این خصوص «فدرالیسم» است. طراحان این نظریه معتقدند که فدرالیسم قاطعانه ترین راه حل برای جلوگیری از جنگ و ایجاد صلح و ثبات و در نتیجه رسیدن به وحدت سیاسی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۹۵). گرچه در فدراسیون ها هر دولت عضو هویت خود را حفظ می کند، ولی در کل اهداف و نیازهای مشترک بازیگران یکسان می باشند. از این رو، نظامی مشترک به وجود می آید و دولت ها در قالب یک واحد فوق ملی و بر اساس یک قانون اساسی مدون به همگرایی می رسند (عابدی اردکانی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). به زبان دیگر، هدف سازش دو گرایش و تقاضای متضاد یعنی اقتدار سلسله مراتبی در قالب یک دولت فدرال و حفظ خودمختاری اعضا بر پایه قانون اساسی است؛ یعنی وحدت بدون یکسانی و تنوع و تکرار بدون آناژشی یا وحدت در عین کثرت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۹۷).

دومین گرایش فکری مربوط به همگرایی، نظریه «کار کردگرایی» است. کار کردگرایی، برخلاف فدرالیسم، غایت گرا نیست و در صدد آن نیست که حتماً یک ابر دولت منطقه‌ای فدرال تحقق یابد (Mitrany, 1966)، در عوض بر رشد و گسترش فعالیت های کارکردی، فنی، تجاری و اقتصادی به منزله نقطه عزیمت مقابله با جنگ و خشونت و دستیابی به صلح و همگرایی منطقه‌ای تأکید دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۹۸). برای مثال، دیوید میترا نی، برجسته ترین نظریه پرداز کار کردگرایی، اعتقاد دارد که پیچیدگی روزافزون نظام های حکومتی، وظایف اساسا فنی و غیر سیاسی حکومت ها در سطح ملی و بین المللی را به اندازه‌ای افزایش داده که حل آنها نیاز به همکاری فن سالاران به جای همکاری نخبگان سیاسی است. این وضعیت به طریقی است که ایجاد چارچوب هایی را برای همکاری بین المللی در قالب سازمان های کارکردی ضروری می سازد. با افزایش وسعت و اهمیت مسائل فنی بشر، شمار و قلمرو این سازمان ها نیز افزایش می یابد. بدین ترتیب، پیشرفت های فنی و اقتصادی و تکنیکی، روابط مبتنی بر وابستگی ایجاد می کنند و گسترش می دهند (بارکین، ۱۳۹۳: ۵۳). با این رویکرد، امید کار کردگرایان آن است روزی فرارسد که زنجیره های همکاری ایجاد شده بین تأسیسات و ملت ها از فرانسوی مرزهای سیاسی به هم متصل شده و زمینه اتحاد و همبستگی دولت های ملی فراهم آید. آنها همچنین مدعی هستند که اگر بتوان در گام اول همکاری را در فراسوی مسائل سیاسی تبیین کرد، امکان گرایش تدریجی به سمت یک نوع همگرایی سیاسی فراهم می شود (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳۵). نوکار کردگرایی، نظریه دیگر مربوط به همگرایی است. گرچه نوکار کردگرایان نیز چون کار کردگرایان معتقدند که همگرایی منطقه‌ای از حوزه های رفاهی و کارکردی آغاز می شود، ولی اضافه می کنند که نباید وابستگی متقابل سیاست و اقتصاد را از یاد برد (رینبرگر و زنگل، ۱۳۸۹: ۴۵). در نوکار کردگرایی نشانی از «خیر مشترک» و هماهنگی منافع نیست، بلکه سعی می شود به مقوله همگرایی از دید «منافع ابزاری» نگریسته شود. به همین دلیل، هاس، نظریه پرداز مشهور این رهیافت، معتقد است که یکی از معیارهای همگرایی، سود و زیان ناشی از آن است. اراده همگرایی بستگی بدان دارد که گروه های عمده تشکیل دهنده واحد معطوف به همگرایی، چشم انداز همگرایی را ثمربخش می بینند. به عبارت دیگر، آنچه امکان

¹ David Mitrany

همگرایی را معقول فراهم می سازد انگیزه های نوع دوستانه نیست، بلکه توجه به منافع و ارزش هایی است که بسیار پیچیده تر از مفاهیمی مثل صلح و دوستی و اتحادند. در واقع، آنچه همگرایی را به پیش می برد، فعالیت نخبگان یعنی «عمل گرایی» آنهاست. به طور ساده، از نظر هاس نخبگان چنانچه دریابند که فعالیت در سازمانی فراملی به سود آنهاست و برایشان منفعی در پی دارد، برای این کار اقدام خواهند کرد (Haas, 1958, p.13). بنابراین، از نظر هاس، از یک سو پیشبرد آرام هدف همگرایی، مستلزم وجود یک تعهد سیاسی مشترک بین اکثریت بازیگران و رهبران دولتی است و از سوی دیگر، عواملی چون اقدامات نسنجیده سیاسی، منافع اقتصادی انفرادی و گرایشات ناسیونالیستی باعث از هم پاشیدگی این وحدت جمعی خواهد شد (سیف زاده، ۱۳۶۸: ۹۴). در حقیقت، این نظریه به جای وحدت منافع، بر رقابت منافع متفاوت تأکید می کند و چون امکان دستیابی به وحدت منافع وجود ندارد، تأمین ثبات تنها با مدیریت کارآمد منازعات در جامعه ای کثرت گرا مقدور می شود (فرانکل، ۱۳۷۱: ۴۸). وضعیت موجود کشورهای خاورمیانه بیانگر آن است که ایران برای ورود به عرصه همگرایی، مطابق آنچه در هر دو نظریه اخیر (کارکردگرایی و نوکارکردگرایی) گفته شد، بیشتر به جنبه های کارکردی، فنی و غیر سیاسی روابط توجه داشته است. اما از سوی دیگر، طبق نظریه نوکارکردگرایی، برای جمهوری اسلامی چندان هم امکان تفکیک حوزه روابط اقتصادی از حوزه روابط سیاسی وجود نداشته است و این دو حوزه بر یکدیگر تأثیر و تأثر دارند (اردکانی، راستین دل، ۱۳۹۶: ۱۵۳). در نتیجه، این ادعای هاس مبنی بر این که «تصمیم یک واحد سیاسی به همگرایی در گرو میزان سود و زیان ناشی از آن یا دستیابی نخبگان سیاسی آن واحد به منافع و ارزش هایی است که از قبل همگرایی به دست می آورد»، در مورد جمهوری اسلامی ایران و تلاش اش برای همگرایی منطقه ای صدق می نماید. همین امر باعث گردیده که در خاورمیانه فعلی شاهد یک همگرایی دوگانه، یکی حول محور ایران و سوریه و حزب الله لبنان و جنبش جهادی اسلامی و حماس فلسطین و تا حدی عراق پساصدام (به سرکردگی ایران) و دیگری حول محور عربستان و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (به سرپرستی عربستان) باشیم. همچنین اگر راهبردهای ایران برای ایجاد همگرایی در میان کشورهای خاورمیانه با موانع و مشکلاتی مواجه بوده، به سبب آن است که طبق نظریه نوکارکردگرایی، پیشبرد هدف همگرایی مستلزم وجود یک تعهد سیاسی مشترک بین اکثریت بازیگران و رهبران دولتی است و این تعهد در

میان کشورهای منطقه وجود ندارد یا ضعیف است، زیرا برداشت و درک آنها از حوادث و ماهیت امور منطقه یکسان نیست؛ امری که باعث شده است به جای وحدت و همگرایی میان کشورهای منطقه، منازعاتی بروز نماید که امکان مدیریت کارآمد آنها نباشد.

۲- مؤلفه‌ها و دلایل همگرایی منطقه‌ای ایران و سوریه با توجه به مبانی سیاست خارجی ایران

سوریه به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی، یکی از مهم‌ترین کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شود که توانسته است در چند دهه اخیر نقش مهمی را در روند تحولات منطقه ای ایفا نماید. بدین لحاظ این کشور جایگاه ویژه‌ای را در سیاست خارجی ایران که اولویت اصلی را در روابط خارجی بر همکاری با کشورهای اسلامی و غیر متعهد می‌دهد، به خود اختصاص داده است. در این مبحث مؤلفه‌ها و دلایل همگرایی منطقه‌ای ایران و سوریه بررسی می‌گردد.

۱-۲ دشمنی مشترک با اسرائیل

یکی از مهمترین زمینه‌ها و دلایل همگرایی ایران و سوریه که موجب نزدیکی دو کشور شده، دشمنی مشترک این دو کشور با اسرائیل است. جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا به دلیل تفاوت ایدئولوژیکی اعلام کرد که اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد، از این رو طبیعی است که تلاش ایران در عرصه‌های مختلف بین‌المللی بر محور تضعیف موقعیت بین‌المللی اسرائیل باشد. مهمترین راهبرد ایران برای تضعیف رژیم اسرائیل نگاه داشتن این رژیم در مرزهای خود بوده است. از یک سو ماهیت انقلابی و ضد اسرائیلی ایران و از سوی دیگر فاصله‌ی جغرافیایی ایران و اسرائیل موجب شده که ایران برای مقابله با این رژیم از همسایگان این رژیم یعنی لبنان و فلسطین و در نهایت سوریه بهره گیرد و روابط خوبی را با آنها برقرار کند و آنها را در برابر اسرائیل مقاوم کند (شهبازی، ۱۳۹۳: ۱۰۳). از طرف دیگر دیدگاه سوریه نسبت به اسرائیل و موقعیت ژئوپلیتیکی آن به طریقی بود که این همکاری را تسریع می‌نمود. امپریالیسم مسئول تاسیس دولت اسرائیل در فلسطین بود و برای هیچ ملت عربی به اندازه‌ی سوری‌ها پذیرش مشروعیت اسرائیل در ازای فلسطین عرب مشکل نبود. به خاطر از سر گذراندن این تجربیات، هیچ رهبر سیاسی در سوریه نمی‌تواند برای یک سیاست خارجی‌ای که عضویت سوریه را در جامعه‌ی بزرگ عربی و نقش محوری این کشور را در دفاع از آرمان‌های جمعی اعراب و در صدر آنها مبارزه با اسرائیل را نادیده می‌گیرد، اعتبار کسب نماید (هینه بوش و

احتشامی، ۱۳۹۰: ۲۶۷). همچنین سیاست خارجی سوریه برگرفته از همسایگی با رژیم صهیونیستی و اشغال بلندی های جولان توسط اسرائیل است و وجود رژیم اسرائیل تهدید راهبردی برای سوریه به حساب می آید (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۹). از دست دادن بلندی های جولان، که تنها دفاع طبیعی سوریه در مقابل اسرائیل محسوب می شد، ترسهای جدید و جدی امنیتی را بوجود آورد. سوریه در معرض تحرکات غافلگیر کننده اسرائیل از طریق خاک اردن و لبنان قرار دارد. این توازن قدرت نامطلوب در منطقه سوریه را مجبور به تلاش برای کسب قدرت جهت مهار تهدید اسرائیل نمود (هینه بوش و احتشامی، ۱۳۹۰: ۲۷۱). از این رو حرکت در جهت جبران عدم توازن نظامی با اسرائیل مهمترین موضوع رهبری سوریه است و نزدیکی به ایران را نیز می توان در همین حیطه تحلیل نمود.

۲-۲ حمایت از حزب الله لبنان

از دیگر زمینه ها و دلایل همگرایی ایران و سوریه این است که ایران از طریق سوریه قادر است اقدام به کمک های مادی به جنبش های مقاومت فلسطین و لبنان نماید. با توجه به حضور هردو کشور در محور مقاومت و منافع همپوشانی که دو کشور در لبنان دارند بخش مهمی از روابط راهبردی ایران و سوریه به خاطر لبنان و نقشی است که دولت سوریه در این زمینه ایفا می نماید. سوریه مهم ترین پل ارتباطی ایران برای حمایت از حزب الله لبنان و گروه های فلسطینی محسوب می گردد (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۳: ۱۷۷). به عبارتی دیگر علاوه بر مسأله ضدیت با اسرائیل، عامل اساسی دیگری که باعث شده است ایران روابط خود با سوریه را مستحکم نماید موضع و سیاست های سوریه در برابر حزب الله لبنان است. در راستای اصل ضدیت با موجودیت اسرائیل، حزب الله مورد حمایت دولت سوریه قرار گرفته است. رابطه صمیمی سوریه با لبنان به نخستین روز جنبش امل لبنان برمی گردد.^۱ امل نیاز به یک حامی داشت سوریه نیز به دنبال یک عامل بود تا درگیری ها در همسایه خود، لبنان را کم کند. همین عامل باعث ایجاد روابط بین

^۱ جنبش امل، قدیمی ترین تشکل سیاسی شیعی در لبنان است. این جنبش، ادامه حرکت مردمی لبنان است که در اوایل دهه ۱۹۷۰ به وسیله امام موسی صدر به جهت دفاع از شیعیان لبنان و مقابله نظامی با رژیم صهیونیستی شکل گرفت. رهبری این جنبش، از ابتدای تشکیل برعهده امام موسی صدر و بعد از وی، شهید مصطفی چمران و از سال ۱۹۷۹ نبیه بری بود (کاووسی، ۱۳۹۵: ۶۱).

آنها شد، رابطه اسد و صدر با به رسمیت شناختن فرقه علوی اسلام به عنوان شکلی از شیعه دوازده امامی بیشتر شد و جنبش شیعه تحت نظارت سوریه آموزش دیدند. پس از صدر که در سفر به لیبی در سال ۱۹۷۸ ناپدید شد رهبری جنبش به نبیه بری رسید و روابط با سوریه به طور قابل توجهی تقویت شد. رابطه امل با سوریه بیشتر به خاطر موقعیت داخلی آن و وجود یک سازمان شیعه دیگر در لبنان، یعنی حزب الله پیچیده تر شد. حزب الله برای اولین بار به عنوان یک جناح انشعابی از امل پدید آمد و به سرعت در اوایل سال ۱۹۸۰ به صورت جداگانه رشد کرد. در حالی که امل اساساً سکولار بود ولی جنبش حزب الله پان اسلامی و دارای تاکتیک بود. تنش سریع بین دو جنبش بر سر کنترل قلمرو در جنوب لبنان پدید آمد و باعث درگیری گاه گاه بین آنها شد (Szekely, 2014, p.11). که در این درگیری ها حزب الله توانست نفوذ خود را حفظ کند و به مهمترین نهاد نظامی غیردولتی در این کشور تبدیل شود. همچنین تبدیل شدن لبنان به صحنه رقابت قدرت های بزرگ و منطقه ای با توجه به ویژگی عمده ژئوپلیتیک لبنان و بحرانی بودن صحنه داخلی این کشور به همراه تجاوزات رژیم اسرائیل به خاک لبنان موجب شد تا سوریه برای حفظ منافع و امنیت ملی خود و نیز آرمان مبارزه با اسرائیل به حمایت از حزب الله بپردازد و نیروهای نظامی خود را به لبنان اعزام نماید (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۹). سوریه در سال ۱۹۷۶ به لبنان نیرو فرستاد تاجایی که آنها تا آوریل ۲۰۰۵ در آنجا باقی ماندند (Szekely, p.10). از این رو بحران لبنان که با حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان و ورود نیروهای چند ملیتی حافظ صلح با حمایت آمریکا به لبنان شروع شد، باعث تعمیق روابط دو کشور ایران و سوریه شد. در این بحران سوریه و ایران هر دو تصمیم گرفتند از شبه نظامیان شیعه در لبنان یعنی حزب الله حمایت کنند. این اولین فرصت برای دمشق و تهران برای هماهنگ کردن تلاش های استراتژیکشان بود و در نتیجه همکاری های نظامی استراتژیک این دو کشور وارد فاز جدیدی شد (Ehteshami and Hinebusch, 2002: 8).

۲-۳ حمایت از جنبش های مقاومت فلسطینی

جمهوری اسلامی ایران براساس اصول سیاست خارجی، سیاست منطقه ای خود را بنا نهاد و در عین حمایت از حزب الله که حامی شیعیان و ملت لبنان بود از مقاومت جنبش حماس و جهاد اسلامی فلسطین در مقابل اسرائیل حمایت نمود. در واقع سیاست های منطقه ای ایران بر پایه ی مقابله با نفوذ به ویژه آمریکا، عربستان و ترکیه و مقاومت در برابر

اسرائیل شکل گرفته است (کوشکی و کیانی، ۱۳۹۴: ۱۱۵). به عبارتی دیگر پس از انقلاب، سیاست خارجی ایران تغییر کرد و حمایت از گروه‌های مردمی همسو با ایران در دستور کار قرار گرفت. از این رو مساله فلسطین ایجاب می‌نمود تا ایران برای کم کردن فاصله جغرافیایی خود با سرزمین‌های اشغالی به انتخاب یک هم‌پیمان مناسب دست بزند که در این میان سوریه بهترین گزینه بود؛ این در حالی بود که با وجود سازش جهان عرب با رژیم صهیونیستی اصل مستمر در دیپلماسی سوریه عدم امضای قرارداد صلح با رژیم تل آویو قبل از تخلیه‌ی بلندی‌های جولان بوده است (سلیمی و شریعتی، ۱۳۹۳: ۸۲). از سوی دیگر فلسطین و مظلومیت آن همواره محور اساسی روند تحولات سوریه در تاریخ معاصر بوده است. در کلیه مراحل مبارزات ملت فلسطین علیه رژیم صهیونیستی دولت و ملت سوریه نقش آفرین بوده‌اند. سوریه و فلسطین دو همسایه تاریخی و جغرافیایی و میان مردم دو کشور شبکه از روابط سنتی پیچیده و سرنوشت ساز وجود دارد.

همچنین دولت سوریه با تصویب انواع قوانین و بخشنامه‌ها، وضعیت معیشتی و رفاهی قابل توجهی برای آوارگان فلسطینی نسبت به سایر کشورهای عربی فراهم ساخته است. فلسطینیان در سوریه توانستند مهارت نظامی و تشکیلاتی چریکی و حزبی پیدا کنند و ملت فلسطین راه مبارزه و جهاد را از سوریه یاد گرفتند. ملت سوریه و حکومت‌های آن در تمامی مراحل منازعه عربی و صهیونیستی حضور چشمگیری داشته‌اند (میرزایی، حمایتیان، خواجه‌ی، ۱۳۹۳: ۱۶۶). در جنگ ۱۹۴۸، ۱۹۶۳، ۱۹۷۲ و ۱۹۸۲ ملت و ارتش سوریه بهترین جوانان خود را در راه آزادی فلسطین فدا نمود. علاوه بر این بسیاری از رهبران فلسطین مانند احمد جبریل، متولد و یا پرورش یافته سوریه هستند و بسیاری از سازمان‌ها و گروه‌های فلسطینی در شهرها و مناطق سوریه پایه گذاری شدند (قاسمیان، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

با توجه به موارد بیان شده و در راستای چارچوب نظری پژوهش می‌توان گفت وجود دشمن مشترکی به نام رژیم صهیونیستی که تهدید کننده‌ی امنیت ملی ایران می‌باشد و اصول و مبانی مشترک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سوریه در حمایت از جبهه مقاومت موجب شده است که دو کشور اتحادی راهبردی برای مقابله با رژیم صهیونیستی و تأمین امنیت و منافع ملی خود تشکیل دهند. در نتیجه جمهوری اسلامی ایران جهت فراهم نمودن بستر همگرایی، راهبردهای سیاست خارجی خود را بر گسترش و تقویت فعالیت‌های خود در سوریه متمرکز نموده است و از جمله مهمترین این

راهبردها؛ حفظ محور مقاومت، تأکید بر دشمنی مشترک با اسرائیل، حمایت از حزب الله لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطین، می‌باشد

۳- ابزارهای به کارگرفته شده در راستای ممانعت از همگرایی ایران و سوریه با تأکید بر نقش عربستان

در این بخش به بررسی نقش عربستان به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع همگرایی منطقه‌ای ایران و سوریه پرداخته می‌شود. باید گفت دلیل انتخاب عربستان و ابزارهای به کارگرفته شده توسط این کشور در این بخش آن است که این دو کشور (ایران و عربستان) در مناسبات خاورمیانه دارای نقش بسیار برجسته‌ای از منظر ملی، عقیدتی و سوق‌الجیشی هستند و این دو کشور از نظر قومی (فارس در برابر عرب) و از نظر اعتقادی (شیعه در برابر سنی) با یکدیگر در رقابت هستند. این دو کشور دارای منافع سیاسی متناقض و اتحاد منطقه‌ای و بین‌المللی متفاوتی هستند و هریک از این دو کشور دارای امتیازات استراتژیک و اقتصادی متفاوتی است و این دو کشور هرکدام به دنبال ایفای نقش «رهبر منطقه» یا محافظ دین هستند (Terrill, 2014). ایران خود را به عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای می‌بیند، بنابراین در تلاش است تا با تلاش برای داشتن سلاح هسته‌ای و هدایت محور مقاومت، این موقعیت را ارتقا دهد (Malony, 2017). چنانچه پیش از این نیز اشاره شد؛ ایران سوریه را به عنوان یک اتحاد استراتژیک در نظر می‌گیرد و این مسئله به دلیل موقعیت استراتژیک سوریه است و سوریه پل اصلی ایران جهت حمایت از محور مقاومت در برابر اسرائیل است (Grumet, 2015, p.126). و همچنین سوریه باعث حفظ مشروعیت ایدئولوژیک ایران به عنوان مدافع اسلام شیعی و مبارزه با افراط‌گرایی سنی است (Arterbury, 2016). در نتیجه ایران همواره در تلاش برای جلوگیری از فروپاشی رژیم سوریه پس از بحران‌های بهار عربی جهت حفاظت از منافع استراتژیک خود گام برداشته است (Abdel Fattah, 2015, p. 147). از سوی دیگر عربستان سعودی یک کشور سنی عرب است که دارای سیاستی محافظه کارانه است و خود را به عنوان مدافع مسلمانان سنی معرفی می‌نماید (Terrill, 2014). عربستان سعودی؛ سوریه را یکی از مهمترین متحدان ایران می‌داند. بنابراین، در طی این سال‌ها این کشور در حال تلاش برای سرنگونی رژیم سوریه و کاهش نفوذ ایران در سوریه و لبنان بوده است (Ibish, 2016) باید گفت؛ مداخله عربستان در سوریه به درخواست ارتش آزاد سوریه، برای حمایت و دفاع از آن انجام شد (Grumet, 2015; 126) ابزارهای مورد

استفاده ایران و عربستان در این بین برای عملی کردن نقششان در سوریه عبارتند از (Fathy Awaad, 2019):

۱- ابزار سیاسی

ابزار سیاسی به استفاده از مجموعه‌ای از منابع دیپلماتیک و همچنین سایر منابع بین المللی بستگی دارد ابزارهای سیاسی به شرح زیر است:

از نظر پشتیبانی سیاسی، ایران همیشه پشتیبانی مداوم خود از سوریه را در مقابل بحران-ها تأیید می‌کند (Baqir, 2014, p.72) ایران تلاشهای دیپلماتیک خود را معطوف به تلاش برای جلوگیری از تجاوز به سوریه کرده است، با این حال اسرائیل و آمریکا این تلاش‌ها را به عنوان عملی که مؤید جنگ باشد در نظر نمی‌گیرند (Helal, 2014, p.99). در طرف دیگر، عربستان سعودی به دنبال پشتیبانی سیاسی از نیروهای مخالف در همه مجامع بوده و سعی در محکوم کردن رژیم سوریه داشته است. در ۸ آگوست ۲۰۱۱، پادشاه سابق «عبدالله بن عبدالعزيز» با فراخواندن سفیر خود از سوریه، از رژیم سوریه درخواست کرد که اصلاحات سریع را در پیش گیرد (Marouf, 2019, p.127). بعد از آن پادشاه عربستان سعودی روش‌های افراطی‌تری را در جهت اخراج سفیران سوری از عربستان سعودی، کویت و بحرین به کار گرفت (Grumet, 2015, p.126) در این بین حمایت سیاسی از طریق مکانیسم حمایت از متحدان در مذاکرات حل و فصل ادامه یافت. بین سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۷، هشت کنفرانس در ژنو برگزار شد ایران قطعنامه‌های کنفرانس ژنو ۱ را رد کرد و در برابر هرگونه توافق سیاسی که می‌توانست منجر به خروج اسد از معادله دولت شود، مقاومت نمود و تلاش کرد (Ibrahim, 2017) ولی عربستان سعودی خواستار برکناری بشار اسد بود (Alhayat, 2016) مخالفان حضور بشار اسد دائماً به نتایج کنفرانس ژنو ۱ که در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲ برگزار شد، متکی بودند (United Nations, 2015). در این میان ایران؛ روسیه را متقاعد کرد تا برای نجات سوریه از سقوط و حمایت از موقعیت ایران در سوریه دخالت کند و از طرف دیگر عربستان سعودی به شدت مخالف دخالت روسیه در سوریه بود (Lucas, 2015). بعدها عربستان سعودی تلاش کرد تا از طریق کاهش نفوذ ایران با روسیه به روابط بهتری دست پیدا کند ولی در مورد متقاعد کردن روسیه از دست کشیدن از حمایت از بشار اسد ناکام بود (Stephens, 2016, p. 42). عربستان سعودی همچنین تلاش کرد تا اتحادیه کشورهای عرب را در مقابل محکوم کردن مواردی که در سوریه رخ می‌داد متحد کند و بیان کند که مشارکت

هیئت دولت سوریه در کنفرانس‌های اتحادیه عرب تا زمانی که دولت سوریه متعهد شود خشونت را متوقف کرده و با قدرت‌های مخالف گفتگو می‌کند تعلیق می‌شود (Macfarquhar and Nada, 2011). سپس عربستان سعودی و قطر در جهت کاهش بحران از یک طرح نظارتی رونمایی کردند، اما خیلی زود عربستان سعودی شکست مأموریت را اعلام کرد زیرا اسد تمایلی به همکاری در این طرح نداشت (Phillips, 2017).

۲- ابزار اقتصادی

با توجه به تحریم‌های اقتصادی سوریه و ممنوعیت صادرات منابع طبیعی از جمله نفت، ایران از سال ۲۰۱۱ حمایت مالی زیادی از رژیم سوریه نمود (IranNewsUpdate, 2017). همچنین دولت ایران از زیرساخت‌های کشور سوریه (شبکه برق و شبکه تلفن همراه) پشتیبانی به عمل آورد و حجم تجارت سالانه بین دو کشور نیز دو برابر شد و از یک میلیارد دلار فراتر رفت. ایران همچنین ۱۰ درصد از یارانه نفت را به سوریه اختصاص داد (Majidyar, 2017) از طرف دیگر عربستان سعودی نیز کمک‌های مالی زیادی را از طریق آژانس‌های بین‌المللی ارائه می‌کرد. عربستان سعودی همچنین بیشتر هزینه‌های سازمان‌های مخالف با حضور بشار اسد را تامین می‌نمود (Alhayat, 2016). عربستان سعودی همچنین کمک‌های بشردوستانه برای حدود ۲،۴۰۰،۰۰۰ شهروند سوریه و همچنین حمایت از میلیون‌ها پناهنده سوری در ترکیه، اردن، لبنان و شهرها و مناطق آسیب دیده را فراهم کرد (Al-Sharq Al-Aawsat, 2018).

۳- ابزار اعتقادی

ایران به دنبال اتحاد با شیعیان علوی در سوریه بود، اما این اتحاد پس از بروز بحران‌های بهار عربی به سلطه کامل ایران تبدیل شد ایران همچنین از «تشیع نرم» استفاده کرد و شیعیان را جایگزین بخشی از جوامع اهل سنت کرد. ایران همچنین به دنبال تشدید گردشگری مذهبی به سوریه، به ویژه منطقه «حرم حضرت زینب» بود (Arabian Gulf, 2016, pp. 51-54). Centre for Iranian Studies, 2016, pp. 51-54. ایران همچنین از استراتژی «بسیج فرقه‌ای» استفاده کرد که نیروی محرکه بی‌سابقه فرقه‌ای برای اهداف جنگ در سوریه بود (Horany, 2017). همچنین از طریق «فتوای جهاد» بعد اعتقادی به وضوح نشان داده

¹ Soft

Shiiteism

شد مانند فتوای مرجع بزرگ شیعه در عراق آیت الله علی سیستانی در تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ که بر اساس این فتوا از شبه نظامیان «بسیج عمومی» در عراق خواسته شد با نیروهای داعش وارد جهاد شوند که اثر این فتوا بعدها در سوریه گسترش پیدا کرد (Al-Ahram Center for Political and Strategic Studies, 2017, p. 341). سعودی روحانیون اهل سنت؛ همه اهل سنت جهان را فراخواندند تا از هر طریق ممکن از مخالفان بشار اسد حمایت کنند. این حمایت صریح توسط امامان مسجد جامعه در شهر مکه صورت گرفت برای نمونه شیخ «سعود الشرائیم» خواستار کمک به مردم سوریه شد که به زعم او توسط نیروهای «ظلم و تجاوز» مورد حمله قرار می گرفتند و خواستار ایستادگی عربستان در این رابطه، بود (Al-Anba, 2013).

باید گفت در طی سالیان اخیر؛ ایران و عربستان سعودی تلاش کردند تا از طریق نقش آفرینی به اهداف خود در زمینه نقش منطقه‌ای در سوریه برسند. ایران و متحدانش در این مدت توانستند بر اکثریت سرزمین ها و جمعیت سوریه کنترل داشته باشند و موفق به محافظت از رژیم سوریه در برابر فروپاشی شوند و در نتیجه از نفوذ زیادی برخوردار شوند. ایران همچنین به کمک مداخله نظامی روسیه درگیری ها را به نفع رژیم سوریه پیش برد. ایران همچنین از عدم مداخله آمریکا در صحنه سوریه که قدرت واقعی برای مقابله با نقش ایران را نداشت، بهره گرفت. همچنی باید اضافه کرد هرچند عربستان سعودی نتوانست رژیم سوریه را سرنگون کند، اما توانست از طریق همکاری با آمریکا؛ ایران را از نظر مالی و نظامی در سوریه تحت تاثیر قرار دهد.

با توجه به مطالب گفته شده باید گفت؛ ایران گرچه بر اتحاد دولت های منطقه تأکید دارد، ولی آن اتحادی را واقعی و مؤثر می داند که نشأت گرفته از ایدئولوژی تشیع و مبتنی بر نفی هر گونه سلطه پذیری، دفاع از حقوق همه مسلمانان، حمایت از مبارزه ی حق طلبانه مظلومان و محرومان در مقابل ستمگران و سطله جویان، عدالت طلبی، عدم تعهد در برابر قدرتهای زورگو، مقابله با خشونت و تروریسم و روابط مسالمت آمیز با دول غیر محارب باشد. بدین ترتیب، هویت انقلابی اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران مهم ترین ملاک تقسیم همگرایی و واگرایی یا «خودی ها» و «دگرها» است (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰: ۲۰۸) در مقابل، کشورهایی مثل ترکیه، اردن، امارات، کویت و قطر چنین نگاهی به ایدئولوژی و کاربرد آن ندارند؛ و عربستان سعودی هم که چنین نگاهی دارد، رویکردش درست نقطه مقابل ایران قرار دارد؛ زیرا الگو و راهنمای این کشور در جست

و جوی همگرایی، اسلام سلفی است. این وضعیت باعث شکل گیری و بروز یک همگرایی «دو گانه» در منطقه شده است. از یک سو، ایران و سوریه و حزب الله لبنان و جنبش جهاد اسلامی و حماس فلسطین و تا حدی عراق پساصدام به دلایل مختلف ایدئولوژیکی، فرهنگی، اقتصادی و هویتی در کنار هم قرار گرفته و همگرایی را حول محور «مقاومت اسلامی» به نمایش گذاشته‌اند. از سوی دیگر، ترکیه، اردن، عربستان و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز با توجه به ملاحظات ایدئولوژیکی یا منفعت طلبانه، به رغم بعضی اختلافات، طیف دیگر این اتحاد را در قالب «جبهه‌ی کشورهای محافظه کار» تشکیل داده‌اند و در نتیجه اکنون در منطقه شاهد یک همگرایی دو گانه هستیم.

نتیجه گیری

با توجه به پژوهش باید گفت؛ پاره‌ای مشکلات فنی و اقتصادی، تعارضات سیاسی، ایدئولوژیکی و امنیتی میان کشورهای منطقه سبب تحقق نیافتن همگرایی بر اساس نظریه نوکارکردگرایی می گردد. در واقع، برداشت های گوناگون و متعارض کشورهای خاورمیانه از مسائل گوناگون منطقه، به ویژه در امور نظامی و امنیتی، و رقابت ها و تعصبات ایدئولوژیکی سفت و سخت که عمدتاً در دو قالب اسلام سیاسی شیعی و اسلام محافظه کار وهابی و سلفی نمایان می گردد، مانع تحقق عملی همگرایی میان آنها شده است. این تعارضات بدان انجامیده است که اکنون در منطقه شاهد یک همگرایی دو گانه باشیم. از یک سو، ایران با دوستان و شرکای خود در یک صف و خط واحد به نام «محور مقاومت اسلامی» قرار دارند و از سوی دیگر، عربستان و ترکیه و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در قطب دیگری که «محور محافظه کار» شناخته می شوند. در این میان ایران و سوریه با یکدیگر علیرغم نداشتن زبان و فرهنگ و نژاد مشابه یک همگرایی منطقه‌ای را شکل داده‌اند. عامل اصلی و زمینه‌ی همگرایی منطقه‌ای در روابط ایران و سوریه را می توان اتخاذ سیاست خارجی یکسان در برابر اسرائیل و همچنین حمایت از حزب الله لبنان و جنبش های مقاومت فلسطینی دانست. این نزدیکی روابط در راستای تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران و همچنین سوریه در برابر اسرائیل می باشد که در این راهبردهای ضد صهیونیستی، حزب الله لبنان نقش کلیدی را در سیاست خارجه ایران و سوریه بازی می کند و با حمایت ایران و سوریه توانسته است ضربه های کاری را چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ نظامی بر اسرائیل وارد آورد. باید گفت؛ رابطه بین

ایران و سوریه اساساً برای هر دو طرف به لحاظ امنیتی حائز اهمیت است. ایران تلاش می‌کند تا امنیت خود را از طریق ایجاد و افزایش نفوذ خود بر کشورهای دیگر حفظ و افزایش دهد. چون امنیت ایران تنها با بیشینه سازی کنترل بر منابع و قدرت ملی‌اش حاصل نمی‌شود بلکه علاوه بر آن از طریق تأثیرگذاری بر چگونگی به کارگیری قدرت سایر کشورها نیز تأمین می‌گردد. این راهبرد به صورت مستقیم با ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن از طریق برقراری روابط دو جانبه یا به طور غیرمستقیم در چارچوب سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری و عملی می‌شود. در حقیقت پیشگیری از تهدیدات امنیتی نیازمند درجه‌ای از حضور ایران به صورت فعال در مسائل امنیتی منطقه است. واقعیات ژئوپلیتیکی و ویژگی‌های قومی و فرهنگی و مذهبی ایران به گونه‌ای است که امنیت آن را به مسائل امنیتی گره می‌زند. فرایند بیداری اسلامی باعث وابستگی خاص امنیت ملی ایران به منطقه شده است در وضع فعلی ایران باید در چارچوب دفاع فعال منطقه‌ای، استراتژی خود را در مقابل بیداری اسلامی تنظیم کند در این حالت ایران نه تنها به دنبال هژمون منطقه‌ای و سیاست‌های تهاجمی نمی‌باشد بلکه هدف فعالیت همسو با گروه‌های انقلابی در عرصه بیداری اسلامی را جلوگیری از تهدیدات امنیتی علیه نهضت‌های اسلام گرامی‌داند.

منابع و مآخذ:

اردکانی، محمدعابدی، راستین دل، نجیب‌الله (۱۳۹۶)، راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برقراری همگرایی در خاورمیانه و موانع آن، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، سال هشتم، شماره ۳، ص ۱۴۶

بارکین، ساموئل جی (۱۳۹۳)، **سازمان‌های بین‌المللی: تئوری‌ها و نهادها**، ترجمه مصطفی انتظارمهدی و عبدالمجید سیفی، تهران: کویر

دعقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳)، **نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی**، تهران: انتشارات مخاطب

رجبی، سهیل (۱۳۹۱)، واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی با نیم‌نگاهی به تحولات اخیر در سوریه، **مقالات پانزده خرداد**، دوره ۱، سوم، سال دهم، ش. ۳۴

رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۰)، **هویت و سیاست هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: ابرار معاصر

ریتگرز، فاکر؛ برنارد زنگل (۱۳۸۹)، **سازمان‌های بین‌المللی**، ترجمه علی بغیری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)

زیتوند، مصیب (۱۳۹۵)، **بررسی بحران داخلی سوریه و تأثیر آن بر همبستگی محور مقاومت اسلامی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، گروه حقوق و علوم سیاسی

سلیمی، حسین؛ شریعتی، مجتبی (۱۳۹۳)، **منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تداوم یا انقطاع حمایت از نظام کنونی سوریه؟**، **مجله سیاست دفاعی**، سال بیست و سوم، ش. ۸۹

سیف زاده، حسین (۱۳۶۸)، **نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل**، تهران: سفیر.

شهبازی، الهام (۱۳۹۳)، **ایران و اسرائیل از همکاری تا منازعه**، **خردنامه**، ش. ۱۲

شه‌مرادی، حسین (۱۳۹۰)، **بررسی نقش اسرائیل در همگرایی راهبردی ایران و سوریه پس از پیروزی انقلاب اسلامی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی

عابدی اردکانی، محمد (۱۳۸۹)، **نظریه‌های همگرایی: بررسی موردی شکل‌گیری و فروپاشی جمهوری متحد عربی (۱۹۶۱-۱۹۵۸)**، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۲۴

عرب جوفقانی، رسول (۱۳۹۶)، **بررسی نقش بازیگران داخلی و خارجی در پیدایش، گسترش و تشدید بحران سوریه (۱۹۶۱-۱۹۵۸)**، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۲۴

فرانکل، جوزف (۱۳۷۰)، **نظریه‌های معاصر روابط بین‌الملل**، ترجمه وحید بزرگی، تهران: مؤسسه اطلاعات

قاسملو، صادق (۱۳۹۶)، **مطالعه‌ی زمینه‌ی همگرایی ترکیه و عربستان در تحولات منطقه‌ی خاورمیانه و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ارومیه

قاسمیان، روح‌الله (۱۳۹۲)، **کنکاشی در تحولات سوریه؛ رژیم‌ها، بازیگران و پیامدها**، تهران: مؤسسه مطالعات غرب آسیا و آفریقا

قناتی، فریبا (۱۳۹۳)، **دلایل همگرایی سیاست خارجی ترکیه و عربستان در قبال عراق**، ۱۳-۲۰۰۳، همایش خلیج فارس، تربیت حیدریه، دانشگاه تربیت حیدریه

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، تهران: انتشارات سمت،

کاوسی، راضیه (۱۳۹۵)، **بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه**، طرح پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس

کرم‌زادی، مسلم؛ خوانساری فرد، فهیمه (۱۳۹۶)، **تبیین زمینه‌های همگرایی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان و چالش‌های آن**، ۱۴-۱۹۹۱، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۱، ش. ۱

کو شکلی، محمدصادق؛ کیانی، احسان (۱۳۹۴)، **رقابت‌های امنیتی ایران و ترکیه در جریان بیداری اسلامی**، مطالعه موردی: مصر و تونس، **پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی**، دوره ۱، ش. ۱

لی، جوهرن (۱۳۹۱)، **بررسی روابط ایران و عراق: کشاکش و همگرایی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی

محمدشریفی؛ دارابی منش، مریم (۱۳۹۲)، **راهبرد کلان آمریکا و چرخش سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه**، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال سوم، شماره ۳

مصطفی زاده، سکینه (۱۳۹۵)، **همگرایی آمریکا و اسرائیل در اعمال سیاست بازدارندگی نرم علیه ایران در خاورمیانه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی دانشکده علوم اجتماعی

موفقیان، پرستو و همکاران (۱۳۹۱)، **تحولات سوریه: بررسی و ارزیابی آرایش جغرافیایی نیروهای درونی و گرایش بیرونی آنها**، **نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، سال دوازدهم، شماره ۲۷

میرزاده کوهشاهی، مهدی (۱۳۹۳)، **استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه؛ سناریوها و پیامدها**، **پژوهشنامه دفاع مقدس**، سال سوم، ش. ۱۱

میرزایی، جلال؛ حمایتیان، احسان، خواجه‌بی، محمدحسن (۱۳۹۳)، **تأثیر تحولات بیداری اسلامی بر روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی**، **فصلنامه پژوهش‌های جهان اسلامی**، سال چهارم، شماره دوم

هینه بوش، ریموند؛ احتشامی، انوشیروان (۱۳۹۰)، **سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه**، ترجمه: رحمان قهرمان‌پور و مرتضی مساح، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)

Abdel Fattah, B. (2015), "Iran and the Russian military interference in Syria", "Sho'oun Arabia" [Arab Affairs], Issue no. 164, Winter.

- Arab Democratic Center, February 18, available at: <https://bit.ly/2RwK62R>
- Irannewsupdate (2017), "The facts behind Iran involvement in Syria", January 24, available at: <https://tinyurl.com/y8txax4o>
- Lucas, S. (2015), The Effects of Russian Intervention in the Syria Crisis. GSDRC, **University of Birmingham**, available at: <https://bit.ly/2UXzskd>
- Macfarquhar, N. and Nada, B. (2011), "Isolating Syria, Arab league imposes broad sanctions", The New York Times, available at: <https://nyti.ms/2vIG3EB>
- Majidyar, A. (2017), "Iran expands its economic sphere of influence in Syria", the Middle East Institute, Sep 13, available at: <https://bit.ly/2KFSdaC>
- Malony, S. (2017), "The roots and evolution of Iran's regional strategy", Atlantic Council, Issue Briefs, September – October, available at: <https://bit.ly/2BLcFzB>
- Marouf, N. (2019), "The regional role of the kingdom of Saudi Arabia, 2010-2016", MA thesis, Arab Studies and Research Institute, the Arab League
- Mitrany, David (1966) a Working Peace System. Chicago: Quadrangle, Chicago, **Quadrangle Books**, Volume 2 Issue 3
- Phillips, C. (2017), "Eyes bigger than stomachs: Turkey, Saudi Arabia and Qatar in Syria, Middle East policy council", Volume XXIV, Spring, Number 1, available at: <https://bit.ly/2mpEs4Z>
- Stephens, M. (2016), "What is Qatar doing in Syria?", The Guardian, 8 Aug, available at: <https://bit.ly/2p2ZQex>
- Szekely, O. (2014), "A Friend in Need: The Impact of the Syrian Civil War on Syria's Clients (A Principal-Agent Approach) 1", Clark University Foreign Policy Analysis (2014), 0, 1-19
- Terrill, W. (2014), "Saudi-Iranian rivalry and the future of Middle East security", US Army War College, strategic studies institute, December, available at: <https://bit.ly/2KCvNa4>
- Al-Ahram Center for Political and Strategic Studies (2017), "Sectarian jihad: the escalated role of sectarian militia in regional conflicts", **the Arab Strategic Report**, 2016, Cairo.
- Alhayat (2016), "Al jubeir: Saudi Arabia supported the Syrian opposition whether it participate in 'Geneva talks' or not", January 31, available at: <https://tinyurl.com/y8bjrd4p>
- Al-Sharq Al-Aawsat (2018), "Saudi Arabia announces \$100 million to alleviate the suffering of the Syrian people", Middle East, April 26, Issue (14394).
- Arterbury, J. (2016), "A sacred defense: Iranian defense policy in the Syrian civil war", **Georgetown Security Studies Review**, Vol. 4 No. 2, available at: <https://tinyurl.com/y7sftwo4>
- Baqir, A. (2014), "The hybrid military strategies in the Syrian army", El Megala, July 20, available at: <https://bit.ly/2KLAQ7g>
- Fathy Awaad, Aboubakr (2019), Iranian Saudi rivalry over the regional role . . . Syria as a model, available at: <https://www.emerald.com/insight/2631-3561.htm>
- Grumet, T.R. (2015), "New Middle east cold war: Saudi Arabia and Iran's rivalry", **Electronic Theses and Dissertations**, University of Denver, Digital Commons @ DU, available at: <https://bit.ly/2OHhxOn>
- Helal, A. (2014), "Post Change Reviews, the Condition of the Arab Nation", Center for Arab Unity Studies, Beirut.
- Hinnebusch, R., & Ehteshami, A. (2002), Syria and Iran: Middle Powers in a Penetrated, Publisher: Routledge; 1st Edition
- Horany, R. (2017), "Consequences of Iranian military interference in Syria", Toran for Strategic Studies November 13, available at: <https://tinyurl.com/ya6u6qq3>
- Ibish, H. (2016), "What's at stake for the Gulf Arab states in Syria?", Arab Gulf States Institute in Washington, June 30, available at: <https://bit.ly/2GrfWqj>
- Ibrahim, A. (2017), "The horizons of the Iranian strategic expansion and the escalation of the power conflict in Syria, strategic estimation",